

بایاس سیاست

سیاسی، اقدامات نتانیا هو در غزه رانسل کشی خواندند



برخی از خانواده‌هایی که در غزه زندگی می‌کنند در شبکه‌های اجتماعی خدا را شکر می‌کنند که فرزندان‌شان را در بمباران یا حمله زمینی اسرائیل از دست داده‌اند! آنها خدا را شکر می‌کنند که فرزندان‌شان در این روزها زنده نیستند تا از آنها بخواهند که برای‌شان غذا پیدا کنند. اسرائیل اما به راحتی می‌گوید که اوضاع آنقدرها هم بد نیست و اینها همه‌اش پروپاگانداست.
امادر عین حال، اجازه ورود خبرنگاران و بازرسان مستقل را به غزه نمی‌دهد.
دلایلش این است که گرسنگی‌دادن مردم غزه سیاست اسرائیل است و در واقع یک سلاح جنگی است. هم اکنون غزه در محاصره کامل قرار دارد اما به چه منظور؟ آیا این کار برای از بین بردن باقیمانده حماس انجام می‌شود؟ از حماس چه باقیمانده است؟ آیا می‌توان برای تسلیم کردن حماس هزاران یا ده‌ها هزار نفر از شهروندان غزه را به مرگ تهدید کرد، مواد غذایی کافی به آنها نرساند و نسلی از فرزندان آنها را از بین برد؟ این امر ذیل هر فرات و برداشتی از قوانین بین‌المللی، غیرقانونی است. در نتیجه این یک جنایت جنگی است؛ جنایت علیه بشریت.

این روزها عده بیشتری از عبارت «نسل‌کشی» برای توصیف اقدامات اسرائیل در غزه استفاده می‌کنند. در ماه دسامبر سال ۲۰۲۳، زمانی که آفریقای جنوبی اسرائیل را در دیوان بین‌المللی کیفری به نسل‌کشی متهم کرد خیلی‌ها این اقدام را درست نمی‌دانستند. نیکولاس کریستاف، ستون‌نویس نیویورک‌تایمز که بارها اسرائیل را مورد انتقادهای شدید قرار داده سوال‌های بسیاری بر این مبنی دریافت می‌کند که این حماس بود که جنگ را آغاز کرد، آمار مرگ و میر از سوی حماس اعلام می‌شود، بحث گرسنگی‌مورد مناقشه قرار گرفته و این غزه‌ای‌ها بودند که اسرائیلی‌ها را سلاخی و شکنجه کردند اما با این حال اسرائیلی‌ها همچنان به غزه مواد غذایی می‌رسانند. او در پاسخ به این انتقادها می‌گوید که به باور من حماس محکوم است چه اینکه دادگاه کیفری بین‌المللی نیز حماس را محکوم کرده و حکم بازداشت رهبران‌ش را صادر کرده اما اگر یک طرف مرتکب اقدامی شود توجیهی بر این نیست که طرف دیگر ده‌برابر بدتر از آن را مرتکب شود. به گفته کریستاف، اسرائیل در سال جاری تلاش کرد تا سازمان‌های امدادرسانی را دور بزند و مواد غذایی را از طریق بنیاد تازه‌تاسیس بشردوستانه غزه که خودش آن را بنا کرده، فراهم کند. نتیجه این بوده که صدها نفر که برای دریافت کمک‌ها تقلا می‌کردند، کشته شدند. پزشکان بدون مرز این رخداد را اینگونه توصیف می‌کنند: «این کمک‌رسانی نیست. این یک کشتار سازمان‌دهی شده است.» به گفته عنرا کلارین، روزنامه‌نگار وستون‌نویس نیویورک‌تایمز و مجری پادکست برنامه عنرا کلارین حق دفاع اسرائیل از خود زمانی که به آن حمله شد، شروع بود. اما در طول سال گذشته مجموعه‌ای از سازمان‌ها و پژوهشگران اعلام کرده‌اند که دیگر مهم نیست که آغاز جنگ تقصیر چه کسی

بوده است. حالا مهم این است که این جنگ توسط اسرائیل به یک نسل‌کشی تبدیل شده است. سازمان عفو بین‌الملل، سازمان بشردوستانه بتسلیلم؛ سازمان مردم‌نهاد دیده‌بان حقوق بشر در اراضی اشغالی، ملونی اوברاین، رئیس انجمن بین‌المللی پژوهشگران نسل‌کشی، آموس گولدبرگ، استاد تاریخ هولوکاست در دانشگاه عبری اورشلیم، همه این استدلال را اعلام و تأیید کرده‌اند.
کلارین در مورد نسل‌کشی توضیح می‌دهد که زمانی که این عبارت به کار گرفته می‌شود، اکثر مردم تصویری مانند هولوکاست را دارند که تلاشی برای از بین بردن یک جمعیت بود. اما حالا اسرائیل به‌طور گسترده‌ای نه‌تنها به‌عنوان کشوری که با نسل‌کشی پدیدار شده بلکه به عنوان کشوری که مرتکب آن شده شناخته می‌شود، و این مسئله تا ابد معنی کشور یهود را تغییر می‌دهد.

❖ ریشه «نسل‌کشی» از کجاست؟

فیلیپ سسنز وکیلی است که کارشناس پرونده‌های مرتبط با نسل‌کشی است. او در دانشکده حقوق هاروارد کالج لندن در همین زمینه تدریس می‌کند و یکی از کتاب‌های او به نام «خیابان شرق غرب» درباره توضیح نسل‌کشی و تبدیل آن به قوانین بین‌المللی است. سسنز در گفت‌وگویی با کلارین از رافائل لمکین صحبت می‌کند؛ فردی که «نسل‌کشی» و مفهوم قانونی آن را ایجاد کرد.
رافائل لمکین در اوایل قرن بیستم در دهکده کوچکی که امروزه «بالزوس» نام دارد، بدنیا آمد. او عاشق مادرش و ترانه‌هایی بود که درباره کشتار جمعی در گذشته می‌خواند؛ درباره رومیانی که مسیحیان را می‌کشتند. لمکین به شهر لویو که امروز در اوکراین قرار دارد می‌رود و نزد یک استاد لهستانی در زمینه حقوق کیفری آموزش می‌بیند. در اوایل دهه ۱۹۳۰، لمکین به‌عنوان دادستان عمومی، به این فکری افتد که چگونه قوانین بین‌المللی می‌توانند از انسان در برابر جنایت گسترده محافظت کنند. تمرکز لمکین بر گروه‌ها بود. او می‌خواست به شیوه‌ای برای تغییر قوانین بین‌المللی برسد و مفهومی را خلق کند که به مردم اجازه می‌داد بگویند: با انسان‌ها نمی‌توانید اینگونه رفتار کنید. فاکتور مهمی که بر تفکر لمکین تأثیر گذاشت رویدادی بود که در برلین در سال ۱۹۲۱ رخ داد؛ کشتن یک نظامی ترک که متهم بود در کشتار جمعیت ارمنی‌ها مشارکت داشته است. یک ارمنی اقدام به قتل این نظامی ترک کرده بود.

لمکین به استاد حقوق خود گفت چرا این ارمنی باید برای کشتن فردی که خانواده و صدها هزار شهروند ارمنی را به خاک و خون کشیده، محاکمه شود؟ استادش به او می‌گوید: تحت قوانین بین‌المللی، به عنوان یک شهروند، شما فرقی با یک مرغ ندارید. شما دارایی کشورتان هستید، دارایی حاکم‌تان. اگر آنها بخواهند

دوشنبه ۲۷ مرداد ۱۴۰۴
سال چهارم. شماره ۸۶۱
www.hammihanonline.ir

شما را بکشند، کاملاً آزادند. اینجا بود که لمکین به فکر محافظت از حقوق انسان‌ها در برابر دولت‌ها افتاد. به گفته سسنز اگر به سال‌های ۱۹۱۰ و ۱۹۲۰ برگردیم به دوره و زمانه کاملاً متفاوتی می‌رسیم. در آن زمان کسی حتی پاسپورت هم نداشت. مردم می‌توانستند به راحتی بین کشورها سفر کنند. ایده ملیت اغلب با مذهب یا نژاد افراد توصیف می‌شد. جهان آن زمان، کاملاً متفاوت از امروز بود.

اما آن زمانه تفاوت دیگری نیز داشت: تا سال ۱۹۴۵، هر کشوری اساساً آزاد بود هر طور که می‌خواهد بر اساس صلاحدید خود رفتار کند. هیچ محدودیتی وجود نداشت، چیزی به نام قوانین حقوق بشر وجود نداشت. تحت قوانین بین‌المللی تنها جنایات بین‌المللی به جنایت‌های جنگی مربوط می‌شدند. مفهومی به نام جنایت علیه بشریت یا نسل‌کشی وجود نداشت. این عبارات در سال ۱۹۴۵ در محاکمه معروف نورمبرگ ابداع شدند؛ لحظه‌ای که سسنز آن را یک انقلاب توصیف می‌کند. از آنجا بود که همه پذیرفتند آزادی یک کشور مطلق نیست. امپراتور قدرت مطلق را ندارد. پادشاه قدرت مطلق را ندارد.

عنرا کلارین معتقد است که ما امروزه به نسل‌کشی‌نگاهی غیررسمی داریم، اقدامی که لزوماً قانون نیستی بلکه سلاخی صنعتی به شمار می‌رود. سسنز می‌گوید لمکین در کارهای اولیه خود نگاهی روشمند به نسل‌کشی داشت؛ او ابتدا به محدودیت‌ها در آموزش، محدودیت‌ها در استفاده از زبان، محدودیت‌ها در اسکان توجه کرد. بعد از آن به این توجه کرد که گروه‌های انسانی در مکانی مشخص مجبور به زندگی می‌شوند. سپس آنها از داشتن برخی مشاغل محروم می‌شوند. سپس آنها را در مکان‌های مشخصی جمع کرده و بعد به اردوگاه‌هایی فرستاده می‌شوند. سپس به مکان دیگری فرستاده می‌شوند و در نهایت کشته می‌شوند. از نظر لمکین کل این روند، یک فرآیند نسل‌کشی است. بنابراین نباید تا گام نهم صبر کرد. گام نهم اقدام واقعی کشتار است. انسان‌ها حق دارند از حمایت برخوردار باشند.

اساساً دو ایده وجود دارد که دقیقاً هم‌زمان ظهور می‌کند. رافائل لمکین مفهوم نسل‌کشی را اختراع می‌کند. سپس همتای او، که هیچ‌وقت با لمکین دیدار نکرده، به نام هرش لوترپاخت، که در همان دانشکده حقوق لمکین درس خوانده، مفهوم متفاوتی را خلق کرد با نام «جنایت علیه بشریت» که بر ایده محافظت از تک تک انسان‌ها متمرکز است. این هم‌فکری در محافظت از افراد و محافظت از گروه‌ها از سال ۱۹۴۵ در جریان بوده است.

به گفته سسنز، جالب است که لوترپاخت همیشه با مفهوم نسل‌کشی مخالف بود. او نگران بود که مفهوم نسل‌کشی، تمرکزش بر محافظت از گروه‌های انسانی به دلیل دارا بودن قومیت، مذهب، نژاد، ملیت است و این نوع نگاه ممکن است عملکرد استبدادی کشورها را نادیده بگیرد.

لمکین این استدلال را رد می‌کند و می‌گوید: مردم به دلیل مشخصه‌های فردی یا آنچه که به‌عنوان یک فرد انجام داده‌اند کشته یا مورد حمله یا مورد هدف قرار نمی‌گیرند. آنها به این دلیل که در لحظه‌ای بخصوص در زمان و مکان مشخص، به عنوان عضوی از یک گروه که مورد تنفر است، هدف قرار می‌گیرند. بنابراین، اگر می‌خواهید از انسان محافظت کنید بر گروه‌ها تمرکز کنید نه بر افراد.

سسنز در پاسخ به این سوال که چرا اثبات نسل‌کشی کار دشواری است می‌گوید، نسل‌کشی را به‌سختی می‌توان در دیوان بین‌المللی ثابت کرد چون هدف ویژه‌ای است. باید ثابت کنید که «اقدامات صورت گرفته به‌منظور نابودی یک کل و جزء است.»

از زمان حکمرانی نازی‌ها بر آلمان، رهبرانی که می‌خواهند گروه‌های انسانی را نابود کنند یاد گرفته‌اند که هدف خود را روی کاغذ بنویسند. آنها جزئیات هدف خود برای نابودی یک گروه انسانی، چه در کل و در چه جزء را اعلام نمی‌کنند. بنابراین دادگاه‌ها و قضات باید از یک الگوی رفتاری نتیجه‌گیری کنند تا بفهمند که عنصر روانی این اقدامات چیست؟ انگیزه این اقدامات چیست؟ چه نیتی پشت کشتار، نابودی و آسیب‌رساندن وجود دارد؟

حال مسئله این است که چه جنایت علیه بشریت باشد یا اتهام نسل‌کشی، جنگ متوقف نمی‌شود. یافته‌های مقدماتی و حکم دیوان بین‌المللی کیفری به‌طور قابل توجهی نتوانسته جلوی اقدامات اسرائیل را بگیرد. انگار که ائتلاف بین‌المللی که خواستار جدی آتش‌بس باشد شکل نگرفته است. آمریکا هم از اسرائیل در برابر محکومیت‌های بین‌المللی محافظت می‌کند. عنرا کلارین از سسنز می‌پرسد اگر ۱۵ یا ۲۰ سال دیگر برگردیم و به امروز به‌عنوانی جهانی نگاه کنیم، آیا به این نتیجه خواهیم رسید که قوانین بین‌المللی بالاخره اثر داشته است؟ سسنز معتقد است که بالاخر اثر خواهد کرد. اومی‌گوید: «۱۹۴۵ یک دوران انقلابی بود». تفاوت دنیای امروز با دنیای سال ۱۹۳۹ و ۱۹۴۱ این است که امروز معاهداتی برای شکنجه و نسل‌کشی داریم. امروز استانداردهایی داریم که به لطف زحمات لوترپاخت و لمکین به‌وجود آمده‌اند و دولت‌ها متعاقباً از آن پیروی کرده‌اند. امروز دیگر مشخص است که این رفتار با انسان، با کودکان، با افراد مسن و افرادی که هیچ ارتباطی با آغاز جنگ ندارند، کاملاً غیرقابل قبول است. جنایتکاران باید پاسخگو باشند و مجازات شوند. محدودیت‌های قوانین بین‌المللی مشخص هستند. این واقعیتی سیاسی است که در آن زندگی می‌کنیم. طبیعی است که این امر زمان‌بر باشد. در طی این روند شاهد رخداد‌های وحشتناک متعددی خواهیم بود. اما سسنز می‌گوید که شاید این وحشت مجبورمان کند که تعهد خود را به ایده حاکمیت قانون در سطح بین‌المللی تقویت کنیم تا قضاات بین‌المللی تبیات قانون‌شکنی در سطح شخصی و حکومتی را بیشتر بر جسته کنند. اما این موضوع زمان‌بر خواهد بود. این روند، پروژه‌ای چنددهه‌ای یا چندقرنی است اما به گفته سسنز ارزشش را دارد که به آن متعهد باشیم.

سیاستمداران



حمایت از اعطای منطقه دونباس

یک دیپلمات اروپایی از موافقت «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهور آمریکا با پیشنهاد «ولادیمیر پوتین» رئیس‌جمهور روسیه برای کنترل منطقه دونباس و همچنین عدم پیشروی در خطوط مقدم فعلی (ثابت نگه داشتن وضعیت میدان نبرد) در سایر نقاط خبر داد. دونباس پیش از جنگ حدود ۶/۵ میلیون نفر جمعیت داشت و شامل مناطق لوهانسک و دونتسک می‌شود. ترامپ پس از دیدار روز جمعه خود با پوتین در آلاسکا به متحدان اروپایی‌اش گفت که رئیس‌جمهور روسیه بار دیگر تأکید کرده است که خواهان مناطق کلیدی لوهانسک و دونتسک است اما به نظر می‌رسد که او از احتمال پایان دادن به بن‌بست در رابطه با زاپوریزیا و خرسون به همراه توقف درگیری‌ها در امتداد خطوط مقدم استقبال می‌کند. این در حالی است که «ولودیمیر زلنسکی» رئیس‌جمهور اوکراین پیش از این، ایده واگذاری منطقه دونباس به روسیه را به‌طور جدی رد کرده بود.



محکومیت معتز ضان اسرائیلی

بنیامین نتانیا‌هو، نخست‌وزیر اسرائیل در واکنش به موج تازه اعتراضات و اعتصاب سراسری در سرزمین‌های اشغالی گفت: «هر کسی که امروز پایان جنگ را بدون نابودی حماس مطالبه می‌کند، عملاً موقعیت این گروه را تقویت کرده و آزادی‌آسرای ما را دورتر می‌سازد و زمینه تکرار هفتم اکتبر را فراهم می‌کند.» او با تأکید بر تداوم شروط تل‌آویو برای توقف جنگ افزود: «کنترل امنیتی ما بر نوار غزه یکی از شروط اصلی پایان جنگ است، اما حماس این موضوع را نمی‌پذیرد. ما مصمم به خلع سلاح حماس هستیم و این روند را به‌طور بلندمدت با اقدام علیه هرگونه تلاش برای تسلیح مجدد دنبال خواهیم کرد.» نتانیا‌هو همچنین ادعا کرد که حماس با طرح خواسته‌هایی معکوس، خواستار عقب‌نشینی کامل ارتش اسرائیل از نوار غزه، محور فی‌الدلفیا و منطقه حائل شده است؛ موضوعی که به گفته او به این جنبش امکان آرایش نظامی دوباره و تقویت دوباره می‌دهد.



پایان ماموریت در بغداد و عین‌الاسد

حسین علاوی، مشاور نخست‌وزیر عراق به خبرگزاری عراقی «واع» گفت: «دولت عراق به برنامه دولتی از طریق بازسازی نیروهای مسلح و پایان ماموریت‌های ائتلاف بین‌المللی و انتقال روابط امنیتی با کشورهای ائتلاف بین‌المللی به روابط دفاعی دوجانبه و با ثبات در سایه روابط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی پایبند است و در نتیجه اجرای توافق میان عراق و کشورهای ائتلاف بین‌المللی انجام می‌شود.» وی افزود: «این اتفاق بعد از رسیدن عراق به یک توافق با کشورهای ائتلاف بین‌المللی برای پایان ماموریت‌های آن بر اساس جدول زمانی اعلام شده در ۲۰۲۵ و ۲۰۲۶ صورت می‌گیرد.» بر اساس توافقی که میان عراق و کشورهای ائتلاف بین‌المللی درباره پایان ماموریت این ائتلاف صورت گرفته، ماموریت‌های هیئت ائتلاف بین‌المللی به رهبری آمریکا در بغداد و پایگاه عین‌الاسد سپتامبر ۲۰۲۵ به پایان می‌رسد تا مرحله جدیدی از همکاری امنیتی در زمینه مشاوره و بازسازی توانمندی‌های نیروهای امنیتی عراق آغاز شود.